

تلاش اجتهادی فقهای امامیه در راستای دیپلماسی وحدت و تثبیت مفهوم شناسی تقریب بر مبنای تقویت مشترکات فقهی

افتخار دانشپور^۱، لیلا عزیزی^۲

^۱ استادیار دانشگاه مذاهب اسلامی.

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد فقه مقارن و حقوق جزای اسلامی دانشگاه مذاهب اسلامی.

نام نویسنده مسئول:

افتخار دانشپور

چکیده

ضرورت تعامل و تقریب بین آراء و نظریات فقهی مذاهب مختلف اسلامی، از بایسته‌های تمدن نوین اسلامی و نظام قانونمند آن، به شمار می‌آید. از این رو فقه امامیه به منظور تمهید و زمینه سازی این تمدن بزرگ همواره تأمل در این مهم را مورد تأکید قرار داده است؛ بدیهی است، طرح برداشت‌های مختلف از واژه تقریب، سیر تحولات و تطورات فقه امامیه در این عرصه و تلاش‌های علمی فقها در زمینه تجمیع و ارزیابی دیدگاه‌های فقهی فریقین، خالی از فایده نمی‌باشد؛ بویژه آنکه در عصر حاضر با ظهور انقلاب کبیر اسلامی در مرکزیت فقاها شیعی، در راستای تحکیم بنای وحدت، تلاش و حمایت‌های وافر فقهای شیعه نظیر صدور فتاوی تقریبی، تدوین منشور وحدت اسلامی و... گام بزرگی در جهت تحقق آرمان اتحاد و همزیستی در جهان اسلام محسوب می‌شوند.

واژگان کلیدی: تقریب، فقه مقارن، مشترکات فقهی، وحدت، مذاهب اسلامی.

مقدمه

اهمیت وحدت امت اسلامی و تقریب اندیشه‌ها و رفتارها از موضوعاتی است که در تمام ادوار و زمان‌ها مسأله‌ای مهم و ضروری بوده است؛ خداوند متعال در قرآن دعوت به اعتصام به حبل‌الله را مقرون جمع نموده و از تفرق و تنازع برحذر داشته است؛ از این رو مسلمانان همواره باید آن را اصل اساسی تلقی کنند و فقها و دانشمندان و بزرگان نیز تمام هم و غم خود را برای دستیابی به این مهم به کار بندند. فقهای امامیه نیز از دیرباز بر اهمیت موضوع تقریب تأکید داشته‌اند و در کتب خود نیز اصل را بر این مسئله قرار داده‌اند و تاکنون نیز تلاش‌های فراوانی در این زمینه انجام گرفته است. از جمله مواردی که برای تحقق تقریب باید به آن توجه ویژه داشت؛ این است که تمامی مذاهب همواره باید بر مشترکات مذهبی تکیه داشته باشند. با مطالعه منابع فقهی هر یک از مذاهب به‌طور جداگانه درمی‌یابیم که فقها در برخی موارد همگی بالاتفاق یک نظر واحد دارند و در قسمت‌هایی نیز گاهی نظرات متفاوتی ارائه نموده‌اند؛ وقتی در پی علت این تفاوت برمی‌آییم، متوجه می‌شویم که ابزار و روش هر فقیه برای رسیدن به حکم قطعی با دیگری متفاوت است. حال وقتی این موضوع را به طور گسترده و در تمامی مذاهب اسلامی بررسی نماییم، این تفاوت آراء بیشتر خود را نشان خواهد داد و این یکی از ویژگی‌های بارز این امر است که وقتی چند نظر متفاوت در مسئله‌ای بیان می‌گردد، زمینه تحقیق و بررسی را نیز بیش از پیش ایجاد نموده و باعث پویایی و اجتهاد بیشتر در مسائل فقهی خواهد بود.

البته باید به این نکته توجه داشت که موارد مشترک میان مذاهب اسلامی فراوان وجود دارد و این مشترکات در مقایسه با اختلافات، درصد زیادی را به خود اختصاص داده است. با نگاهی به گذشته درمی‌یابیم که در طول تاریخ شاخص عزت، انس و الفت بوده و هر زمان اختلاف ایجاد شده است، اقتدار مسلمین خدشه‌دار شده و دشمنان به سهولت توانسته‌اند بر آن‌ها تفوق یابند و از اختلافات ایجاد شده در راستای منافع خود بهره‌برند و همواره خواهان ضربه‌زدن بر پیکره مسلمین باشند؛ اما به مدد فقیهان بزرگ و منادیان تقریب در کار خود موفق نشده و در آینده نیز راه به جایی نخواهند برد.

این نوشتار در صدد است، مشترکات فقهی میان مذاهب و اندیشه تقریب در فقه امامیه را مورد ارزیابی قرار دهد؛ موضوع تقریب در منابع فقهی مذهب امامیه دارای پیشینه‌ای قدیمی است. شاهد بر این مدعا شیخ مفید است، از جمله نخستین فقهایی که به موضوعیت تقریب اهتمام ورزیده و کتاب «الاعلام بما اتفقت علیه الامامیه من الاحکام» را در این زمینه تألیف و فقه را به صورت مقارن ارائه نموده است. در این بررسی ابتدا تعریف جامع و دقیقی به لحاظ لغوی و اصطلاحی در مورد تقریب ارائه و نظرات مختلف بیان می‌گردد. هم‌چنین فقهایی که بعد از زمان پیامبر تا عصر حاضر تلاش‌هایی در جهت تقریب در فقه داشته و یا تألیفاتی در جهت آن انجام داده‌اند را مورد شناسایی قرار می‌دهیم تا اهمیت موضوع تقریب به عنوان نقطه ثقل باور مند دیپلماسی وحدت بیش تر نمایان شود.

۱- تعاریف و مفاهیم**۱-۲ فقه**

فقه در لغت به معنای فهم عمیق و نافذ به کار رفته و این معنا با مطلق فهم تفاوت دارد و گفته شده است که فقه، فهم همراه با استنباط است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۲۲/۱۳)؛ پیامبر (ص) نیز درباره ابن‌عباس چنین دعا فرموده است: «اللهم علمه فی الدین و فقهه فی التأویل» که «خداوند او را عالم در دین و فقیه در تأویل قرار بده». (واسطی زبیدی، ۱۴۱۴: ۷۲/۱۹) در اصطلاح مشهور فقه، فقه عبارت است از «علم به احکام فرعی شرعی، به استناد دلایل تفصیلی آن‌ها». (عاملی، ۱۴۱۸: ۹۰/۱) براساس دیدگاه برخی اندیشمندان فقهات نیز فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است. و این فقه است که در عرصه عمل جاری است و زمان و مکان در آن نقشی تعیین کننده دارد؛ فقه توان حل مشکلات سیاسی، اقتصادی، حقوقی، فرهنگی، اجتماعی و نظامی و هدایت جامعه بزرگ اسلامی و غیراسلامی را دارد. (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۲۸۹/۲۱)

۲-۲ تقریب مذاهب اسلامی

تقریب از ریشه «قُرب» به معنای نزدیک کردن و نزدیک گردانیدن و مخالف بُعد (دوری) ذکر شده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۶۶۲/۱). برداشت‌های متفاوتی ممکن است از مفهوم تقریب مذاهب وجود داشته باشد که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱- برخی منظور از تقریب بین مذاهب را این‌گونه می‌دانند که مذهب خویش را حق دانسته و سایر مذاهب را باطل. این تعریف به جای تقریب ایجاد تفریق و دوری می‌نماید. در طول تاریخ نیز تأثیرات سوء آن در جهت ایجاد اختلاف، مؤید این مطلب است و همین تفرقه و جدایی بوده که باعث شده است مسلمانان قرن‌ها اسیر مغول‌ها شوند و در قرون اخیر نیز تحت استعمار غرب درآیند و شکاف بین مسلمین ایجاد گردد. هم‌چنان که علی علیه‌السلام نیز این افراد را نکوهش می‌کند. حضرت در مورد این افراد می‌فرماید: «وَالْزُّمُو السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةُ فَإِنَّ الشَّادَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّادَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّنْبِ» که «همواره

همراه با بزرگ‌ترین جمعیت‌ها باشید که دست خدا با جماعت است و از تفرقه بپرهیزید که انسان تک رو بهره شیطان است چنانکه گوسفند رمنده و تکر و طعمه گرگ است. (سید رضی، ۱۴۱۴: ۱۴۷)

۲- برخی دیگر بر این باورند که منظور از تقریب این است که دیگران را به مذهب خود بکشانند اما با این کار طرف مقابل را به مقابله به مثل و می‌دارند و باز هم تقریبی بین مذاهب ایجاد نخواهد شد.

۳- گروهی تقریب را لازم و ضروری می‌دانند اما در بُعد سیاسی نه بعد دینی.

در پاسخ باید گفت که اولاً: در اسلام سیاست از دین جدا نیست و ثانیاً: قرآن کریم در آیه ۶۴ سوره مبارکه آل عمران حتی در مورد همبستگی میان پیروان ادیان توحیدی وحدت دینی را مطرح می‌کند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ».

۴- گروهی نیز منظور از تقریب مذاهب اسلامی را دست کشیدن از اصول مذهب معرفی می‌کنند. باید به این نکته توجه داشت که رجال تقریب بارها اعلام کرده‌اند که هدف تذویب و اندماج مذاهب نیست بلکه منظور این است که مسلمانان بدانند در اصولی که با اعتقاد به آن‌ها مسلمان شناخته می‌شوند با یکدیگر اتحاد دارند. این اصول عبارتند از توحید، نبوت و معاد و در موارد اختلافی اعم از اختلافات اعتقادی و اصول مذهب و اختلافات فقهی، با رعایت تقوی و ادب اختلاف و جدال بالتی هی احسن همگی با انگیزه یافتن حقیقت و نه برتری جویی، به گفتگو بنشینیم و چنانکه توانستیم یکدیگر را قانع کنیم چه بهتر و اگر نتوانستیم یکدیگر را معذور بداریم. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷: ۵۶) آیت الله خامنه ای نیز وحدت مسلمانان را در دو معنای «اتخاذ مواضع مشترک، همدلی و همکاری فرق اسلامی در مقابله با دشمن» و نیز «نزدیکی فرق اسلامی به همدیگر، ایجاد تفاهم و تبادل آرای مذهبی در راستای دستیابی به امت واحده اسلامی» به کار برده‌اند. (مشکاتی سبزواری، ۱۳۹۲: ۵۴)

۲- نقش عوامل فقهی در تقریب مذاهب

همه فقها و دانشمندان اسلامی با عنایت به اینکه خداوند متعال فرموده است: آیه ۵۹ سوره مبارکه النساء: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا» ... «ای اهل ایمان از خدا و پیامبر اطاعت کنید و از کارداران و فرمانروایان مسلمان خود فرمان برداری نمایید و اگر در چیزی اختلاف داشتید آن را به خدا و پیامبر برگردانید اگر به خدا و روز آخرت ایمان دارید. این کار برای شما بهتر است و فرجام بهتری به دنبال دارد» و همچنین با توجه به هشدار الهی که در آیه ۶۵ سوره نسا فرموده است: «فَلَا وَ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُخَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا». برای استنباط احکام به قرآن و سنت مراجعه می‌کنند اما از آن‌جا که فروع دینی نامحدود است و در اصولی چون اجماع، عقل، قیاس، استحسان، مصالح مرسله و سد ذرایع میان فقها و اصولیون اختلاف نظر وجود دارد، به تبع آن در مسائل فقهی نیز میان فقها اختلاف نظر به وجود می‌آید. (محقق داماد، ۱۳۶۲: ۲/ منابع فقه) با اندک تدبیری در آثار و متون اسلامی پی می‌بریم که اختلاف نظرهای فراوانی در حوزه استنباط احکام و مسائل فقهی میان اندیشمندان اسلامی وجود دارد، همچنین اختلاف نظرها، مذاهب گوناگونی را به وجود آورده است. مهم‌ترین مذاهب فقهی که به رسمیت شناخته شده‌اند و پیروان زیادی دارند عبارتند از: مذهب حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی از اهل سنت و مذهب اثنی‌عشری و زیدی از شیعه و مذهب اباضی.

در مورد پیشینه این نوع اختلافات باید گفت: اختلاف نظر در مسائل فقهی از همان زمان اصحاب و از زمان رحلت رسول خدا (ص) آغاز و تاکنون ادامه دارد. به این ترتیب حتی میان اصحاب رسول گرامی اسلام نیز اختلاف نظر در مسائل فقهی وجود داشته است. دلیل این اختلاف نظر آن بود که گاه یک صحابی حکمی را در قضیه‌ای شنیده بود، در حالی که دیگری از آن بی خبر بود و لذا دومی اجتهاد می‌کرد و این اجتهاد چه بسا موافق یا مخالف نظر دیگری می‌بود؛ و یا اینکه گاه عملی را عده‌ای از اصحاب از رسول خدا نظاره‌گر می‌شدند اما برخی آن عمل را حمل بر قربت و برخی دیگر آن را حمل بر اباحه می‌کردند؛ و مواردی از این دست که نشانگر اختلاف نظرات فقهی در آن دوره است. وقتی اصحاب پیامبر که خود رسول اکرم (ص) را ملاقات کرده‌اند و مدت‌ها همسنگر و همنشین آن حضرت بوده‌اند؛ اینگونه در مسائل فقهی با هم اختلاف نظر داشته‌اند، به طور قطع پس از صحابه و در قرن‌ها و عصرهای بعد نیز این اختلاف نظرها همچنان وجود داشته و پس از این نیز وجود خواهد داشت.

چندی از عواملی که موجب اختلاف نظر میان فقهای پس از صحابه شده است بدین شرح است:

اختلاف در منابع استنباط، اختلاف نظر در حجّیت اسناد روایات، اختلاف در جهت صدور حدیث، اختلاف در نسخ حکم به سبب اختلاف در ضوابط نسخ احکام، اختلاف در قرائت بعضی از آیات، اختلاف در برداشت از آیات و روایات و فهم و تفسیر آن‌ها، تعارض ادله، اختلاف در چگونگی مرجّحات و مواردی از این دست که باعث ایجاد اختلاف نظر میان فقها است و اشکالی هم بر آن وارد نیست و امری کاملاً طبیعی می‌باشد. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۳۳۱) نمونه‌هایی از این موارد عبارتند از:

- ۱- گاه حدیثی با سند صحیح به یکی از فقها و محدثین می‌رسید در حالی که همان حدیث با سندی غیر صحیح به دیگری می‌رسید و همین امر باعث می‌شد اولی به آن حدیث عمل و دیگری از عمل بدان خودداری کند. مسلماً این خود آغاز یک اختلاف بود.
- ۲- برخی مواقع نیز حدیثی با سندی روایت می‌شد اما یکی آن سند را صحیح و دیگری آن را مردود می‌دانست. در چنین مواقعی اختلاف بر صحت یا عدم صحت سند ایجاد اختلاف می‌نمود. (گروهی از نویسندگان به اهتمام عباس برومند اعلم، ۱۳۹۵: ۱۳۰/۲)
- ۳- گاه نیز به دلیل وجود واژه‌ای در حدیث که به دلیل قلت استعمال در لغت، دشوار و دور از فهم است و اصطلاحاً به آن «غریب الحدیث» می‌گویند برداشت‌های متفاوت از آن واژه می‌شد یا چون لفظ مجمل یا مردد بین حقیقت و مجاز بود اختلاف فتوا پیش می‌آمد.
- ۴- وجود تعارض میان عام و خاص و مطلق و مقید و... که در احادیث پیش می‌آید و ناسخ و منسوخ موجود در میان احادیث و عدم اطلاع به یکی از آن‌ها و شرایطی که هریک از ائمه برای قبول خبر واحد وضع نموده‌اند.

با بررسی مسائل فوق به این نتیجه می‌رسیم که مواردی از این قبیل همه و همه دست به دست هم داده اند تا اختلاف نظرهای موجود را رقم بزنند؛ البته حتی در قرآن که اولین و بزرگترین مأخذ مسلمین است نیز گذشته از اصول عقاید و پاره‌ای مسائل تغییرناپذیر که ثابت هستند، در بعضی از احکام و قوانین «جای احتمال و اجتهاد» است و این نخستین منشأ اختلافات فقها می‌باشد. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷: ۶۸) واضح است اختلاف نظر در این موارد کاملاً طبیعی است و نه تنها برای وحدت و انسجام امت اسلامی مشکل ساز نیست، بلکه موجب پویایی فقه اسلامی می‌گردد. با همه اختلاف نظرهای موجود میان فقهای اسلامی، منابع اصلی فقه که همان قرآن و سنت است میان همه امت اسلامی مشترک است و تنها اختلاف موجود در این زمینه آن است که شیعه و سنی احادیث و روایات را از دو طریق متفاوت اخذ می‌کنند. همان‌طور که برخی صاحب نظران فرموده‌اند: «اگر در یک ملتی اختلاف سلیقه نباشد، این ملت ناقص است. اختلاف در سلیقه، رأی، مباحثه، جار و جنجال، باید باشد لکن نتیجه نباید اینگونه باشد که ما دو دسته دشمن هم شویم بلکه باید در عین حالی که اختلاف داریم دوست هم باشیم». (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۴۷/۲۱)

علاوه بر این همه علما و اندیشمندان اسلامی اتفاق نظر دارند که وقتی مجتهد اجتهاد می‌کند به استناد حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «إِذَا حُكِمَ الْحَاكِمُ ثُمَّ أَصَابَ، فَلَهُ أَجْرَانِ، وَإِذَا حُكِمَ فَاجْتَهَدَ ثُمَّ أَخْطَأَ فَلَهُ أَجْرٌ». (حسینی روحانی قمی، ۱۴۱۸: ۵۶/۱) اگر در اجتهاد خود درست عمل کرده باشد و فتوای صادر شده توسط او صحیح باشد؛ از دو اجر برخوردار می‌گردد و اگر در اجتهاد خویش دچار اشتباه شده باشد، باز هم از یک اجر برخوردار می‌شود. فقهای اسلامی و مجتهدان دینی در گذشته با درک این موضوع، علی‌رغم آنکه با هم اختلاف نظر داشتند، حرمت و احترام یکدیگر را حفظ می‌کردند و برای هم دعا می‌کردند و پشت سر همدیگر نماز می‌خواندند و چنانچه یکی از آنان فوت می‌کرد، بر او دل می‌سوزاندند و از او تنها به خیر و خوبی یاد می‌کردند. البته اگر جز این بود تعجب داشت زیرا مقصود و هدف آن‌ها، روشن شدن حق بود و برایشان مهم نبود که حق، توسط چه کسی تبیین و غالب شود. پس از آن بزرگواران، کسانی آمدند که این اخلاق و فرهنگ را کنار نهادند و هدف‌ها تغییر کرد و نیت افراد متفاوت از نیتی شد که سلف صالح در مسائل اختلافی دنبال می‌کردند. در نتیجه این امر، هوا و هوس بر ضمیر افراد چیره گشت و یاد خدا در دل‌ها کاستی یافت و تمام تلاش‌ها و خواسته‌ها در راستایی قرار گرفت که هرکس دوست داشت فکر و مذهب و اندیشه او غالب گردد؛ البته غالب افراد این گروه، کسانی بودند که با عوامل اختلاف و اسباب اختلافات فقهی آشنا نبودند و لذا این اختلافات را اختلافاتی بنیادی و اساسی تلقی می‌کردند. به مرور زمان کار به جایی رسید که برخی متعصبان مذهبی پشت سر ائمه سایر مذاهب نماز نمی‌خواندند و ازدواج با پیروان سایر مذاهب را جایز ندانسته و به استناد رأیی فقهی، همه پیروان یک مذهب را با بدترین القاب و عناوین که در شرع اسلامی موجب قذف بود مورد خطاب قرار می‌دادند. درگیری‌ها و جنگ‌های خونین میان پیروان مذاهب و کشمکش‌ها و قتل‌ها و غارت‌ها و مشاجراتی که میان برخی مذاهب بود گرفتاری‌های فراوانی برای امت اسلامی ایجاد کرد که تنها عامل آن نیز همین اختلاف نظرهای فقهی و عدم درک طرف‌های مقابل بوده است. اینگونه بود که در نتیجه تعصب و مذهب‌گرایی و کج‌فهمی برخی افراد، اختلافات فقهی که کاملاً طبیعی بود و موجب رشد و شکوفایی اندیشه و فقه اسلامی می‌شد، به مانعی بزرگ فراروی اتحاد و انسجام اسلامی تبدیل شد و از این زمان بود که اختلافات فقهی نیز از عوامل واگرایی میان امت اسلامی به شمار می‌آمد. (موثقی، ۱۳۷۰: ۶۳/۲)

با اندکی دقت پی می‌بریم که در این مورد نیز اختلاف نظر میان امت اسلامی غیر قابل حل نیست و آنچه آن را به معضلی بزرگ فراروی اتحاد امت اسلامی تبدیل کرده؛ عدم ارتباط مناسب علمی میان علمای مذاهب و تعصبات و تقلیدهای کورکورانه و پافشاری بی‌دلیل بر اندیشه‌های موروثی و دخالت افراد غیرمتخصص و عوام‌زدگی برخی عالم نمایان است.

۳- مشترکات فقهی مذاهب اسلامی

یکی از راهکارها برای ایجاد تقریب بین مذاهب تمرکز بر مشترکات میان مسلمین است که این موارد برخلاف اختلافات که در محدوده اندکی از دین وجود دارد، فراوان است. تا اینجا مسائلی را ذکر کردیم که بعضاً از موارد اختلافی بین مذاهب بود و راهکارهای تبدیل

آن به تقریب به طور مختصر بیان گردید و باید دانست که با وجود اختلاف نظرانی که وجود دارد، وحدت و همدلی باید حفظ گردد و این موارد موجب دشمنی نگردد. نظرات متفاوت بیان گردد، به بهترین شیوه و بدون تعصب با هم گفتگو شود و هدف، رسیدن به حقیقت باشد؛ حال با این تفاسیر به مشترکات فراوانی که بین مذاهب وجود دارد می‌پردازیم و تمرکز خود را بر موارد مشترک قرار می‌دهیم تا مقصود از تقریب حاصل گردد. نمونه‌هایی از این مشترکات فقهی در میان مذاهب اسلامی عبارتند از:

- کلیات تمام ابواب فقهی مانند: نماز، روزه، خمس، زکات، حج، جهاد، انواع معاملات و قراردادهای اجتماعی و خانوادگی.
- بسیاری از عناصر و احکام و شرایط اصلی هر کدام مانند: ارکان نماز، تکبیر، نیت، قرائت، رکوع، سجود، تشهد، سلام و شرایطی مانند طهارت و قبله و... برای نمونه:

۱- تمام مسلمانان در پنج نوبت نماز می‌خوانند و این مسئله مورد اتفاق همگان است و همه مسلمانان در مقدار رکعات نماز و جهت قبله با هم متفقند. اسلام نیز با نماز جماعت و نمازهای عمومی مانند: نماز عید، استسقا، جمعه و... مسلمانان را به وحدت و الفت تشویق می‌کند.

۲- هر شخص با ایمانی مکلف به پرداخت زکات است.

۳- مسلمانان مکلفند در ماه معین روزه بگیرند.

۴- کسانی که استطاعت دارند موظف به گزاردن حج هستند.

این اعمال جز ارکان اسلام هستند و مذاهب اسلامی هیچ اختلافی در آن‌ها ندارند؛ البته در برخی از مسائل به دلیل فهم در روایات و... اختلاف نظر وجود دارد. در واقع این از الطاف خداوند در قانون‌گذاری می‌باشد که اصول عملی را با بیانی واضح به اثبات رسانده تا مانع اختلاف در این موارد شود اما در مسائل فرعی جای بحث و اختلاف نظر وجود دارد که البته این اختلاف به فرموده پیامبر اسلام خود مایه رحمت است «خِطْلَافُ أُمَّتِي رَحْمَةٌ» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۴۱/۲۷)

۵- قرآن که همگی مسلمین اتفاق دارند که تحریری در آن صورت نگرفته است و کلام خداوند است. و مواردی از این دست که هریک از این موارد به تنهایی برای ایجاد اتحاد و همبستگی میان مسلمین در مذاهب مختلف کفایت می‌کند.

- تمام احکامی که صریح آیات قرآن یا احادیث متواتر نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به بیان آن‌ها پرداخته است.

- سایر ضروریات فقه اسلامی (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۳۲۹)

آیت الله خمینی بر این مسئله تأسف می‌خورند که چرا مسلمین به این قدر اشتراک‌ها توجه نمی‌کنند و فرمودند: «مع الأسف غفلت هست، اجتماعات می‌شود و از اجتماعات نتیجه گرفته نمی‌شود، مسلمین در مکه مکرمه و مناسک و در مواضع مجتمع می‌شوند، لکن مثل اینکه از هم جدا و غریبه هستند و مثل اینکه با هم وحدت کلمه ندارند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۳۳۴/۹)

۴- سیر تحول فقه مقارن نزد امامیه

۱-۴ دوره اول: پیدایش

مسئله تقریب و حفظ وحدت آنقدر مهم و ضروری است که در قرآن و روایات نیز بر آن تأکید شده است. چنانکه خداوند در قرآن وحدت امت را در برابر وحدت رب مطرح می‌کند در آیه ۹۲ سوره مبارکه انبیاء: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ». و این دو را در قرآن همراه هم ذکر می‌کند که این بدان معنی است که تقریب ریشه در توحید داشته و وحدت امت با وحدت رب ارتباط عمیقی دارد گویی که اگر امت پراکنده شود از مدار توحید و ربوبیت خداوند نیز خارج شده است.

آیت الله خمینی اقتضای ذاتی توحید را وحدت کلمه می‌دانند و در این باره فرموده‌اند: «پیامبر اسلام می‌خواست تمام ممالک دنیا را در تحت یک کلمه توحید، تمام ربع مسکون را قرار دهد. مسلمانان اگر وحدت کلمه خود را حفظ کنند دیگر یهود بر فلسطین طمع نمی‌کند». (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۳۲/۲) این مسأله یکی از توصیه‌های مهم اهل بیت علیهم السلام نیز بوده است چنانچه در روایات نیز داریم که حضرت فاطمه سلام الله علیها می‌فرماید: «امامت ما برای حفظ نظام و تبدیل افتراق مسلمانان به اتحاد است». «و طاعتنا نظاماً للملّة و إمامتنا امان من الفرقة». (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۰۹: ۱۸۵/۱)

۲-۴ دوره دوم: تدوین

زمانی زعامت شیعه در بغداد به شیخ مفید رسید که جریانات مختلف فکری برانگیخته شده بود. گروه سلفیان، معتزلیان، اشعریون و... هر کدام با عقاید فکری به تبلیغ افکار خود می‌پرداختند و ایشان در جهت تثبیت هویت فکری و شیعی قیام نمود و با توجه به موقعیت اجتماعی زمان شیخ مفید بین مذاهب مختلف اسلامی آراء فقهی و کلامی مطرح و طبیعتاً با یکدیگر تطبیق داده می‌شد و هر صاحب رأیی

برای اقناع طرف مقابل دلیل و برهان اقامه می‌کرد و شیخ در این عرصه با تکیه بر مبانی استوار شیعه به خوبی درخشد و در این زمینه کتاب ارزشمندی به نام «الاعلام فیما اتفقت الامامیه علیه من الاحکام» تألیف کرد و در واقع نخستین بنای فقه مقارن به دست این عالم توانا تأسیس شد و با کتاب الانتصار سید مرتضی و الخلاف شیخ طوسی و تذکره الفقهای علامه این بنا تکمیل گردید و گسترش یافت. (گرچی، ۱۴۲۱: ۱۴۶)

اولین کتابی که به شیوه مقارن توسط شیعیان در این دوره تألیف گردید کتاب الاعلام شیخ مفید بود. اما پیش از او ابن جنید تهذیب را نگاشته بود و دیدگاه‌های عامه را در کنار دیدگاه‌های فقهی شیعه و با ذکر استدلال هر دو گروه آورده بود بنابراین گراف نیست اگر ابن جنید را در میان فقهای شیعه بلکه فقهای اسلام نخستین فقهی بدانیم که نگاشته‌ای به نام «علم‌الخلاف» یا فقه مقارن را فراهم آورده است (جمعی از مؤلفان، بی تا: ۲۴۶/۳۰) اما موضوعات مقارن در این اثر بسیار ابتدایی و موجز بیان شده و «الاعلام» شیخ مفید در این زمینه به صورت مستقل و کامل‌تر است و در واقع اولین کتاب مصطلح در این زمینه می‌باشد. پس از شیخ مفید شاگردش سید مرتضی کتاب «الانتصار» را تدوین کرد. کتابی که حاوی بیش از ۳۱۹ مسئله است که در آن گذشته از ذکر اقوال مذاهب، نظر امامیه را با ائقان و ادله قوی بیان نموده است. همچنین در کتاب «الذریعه الی اصول الشریعه» نیز که اولین کتاب کامل در زمینه اصول فقه امامیه می‌باشد علاوه بر بیان نظرات اصول عامه به تفصیل به بیان نظر امامیه پرداخته و رأی مختار را با تحقیقی کافی و وافی اثبات نموده است. (گرچی، ۱۴۲۱: ۱۷۳) پس از سید مرتضی، شیخ طوسی فقه مقارن را تکامل بخشید و کتاب «الخلاف» را به نگارش درآورد. او در این کتاب، آراء مذاهب مختلف را بیان کرده و بین آن‌ها تطبیق، موازنه و مقایسه کرده و قول مختار بر دیگر آراء ترجیح داده شده است.

۳-۴ دوره سوم: تکامل

پس از دوره شیخ طوسی در بغداد حدود یک قرن دانشمندان غالباً در احکام اسلامی نظری از خود ابراز نمی‌کردند و این دوره به عصر تقلید شهرت پیدا کرد. در این دوره تدوین جوامع فقهی توسط فقهای مکتب حله انجام گرفت که مقارنه بین اصول شیعه و اصول اهل سنت و کاربردی‌تر شدن اصول فقه، از امتیازات این مکتب شمرده می‌شود. در این دوره علاوه بر پیشرفت فقه مقارن، چنانکه اثر آن در کتاب «تذکره الفقها» علامه با مقایسه آن با خلاف شیخ طوسی هویداست، کتبی هم در مورد اختلاف شیعه، مانند مختلف الشیعه علامه حلی نگاشته شد. (گرچی، ۱۴۲۱: ۲۲۸) علامه حلی در کتاب مختلف الشیعه به شیوه ابداعی به بررسی نظرات علمای امامیه همراه با ادله هر کدام و ترجیح رأی اقوا پرداخت. همچنین کتاب «تذکره الفقها» را در موضوع فقه مقارن به دنبال الخلاف و الاعلام و... به نگارش درآورد که به توسعه و کمال مباحث فقهی در موضوعاتی چون فقه معاملات و تنقیح مباحث اصولی و تالیفات مقارن پرداختند.

۴-۴ دوره چهارم: رکود

در قرن ۱۱ دانشمندانی از شیعه به استناد اینکه مؤسسين علم اصول، اهل سنت هستند و اگر برای استنباط مسائل فقهی از ادله، نیازی به استفاده از قواعد اصولی باشد مستلزم آن است که اصحاب ائمه فقیه نباشند و پذیرش این علم به معنای بی‌اعتبار کردن احادیث نقل شده از ائمه است. این گروه تمامی فقها از قدیمین تا شهیدین را به باد انتقاد گرفتند. مهم‌ترین پیشوای این گروه ملامحمد امین استرآبادی بود. بنابراین در این دوره باب بحث در اسانید و متون روایات و بحث پیرامون بسیاری از مسائل اصولی مسدود شد و تنها مجموعه‌های حدیثی جدیدی تألیف شد که دارای اسلوب و سبک در نظم و ترتیب و تبویب مناسب بود.

۵-۴ دوره پنجم: معاصر

در دوره معاصر نیز در زمینه فقه مقارن تألیفاتی صورت گرفت از جمله این موارد می‌توان به کتب «دروس فی الفقه المقارن» محمد ابراهیم جناتی، «الفقه علی المذاهب الخمسه» از محمد جواد مغنیه، «درآمدی بر فقه مقارن» جعفر پیشه فرد و دائره‌المعارف فقه مقارن که زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی نگاشته شد اشاره کرد. علاوه بر این تألیفات صورت گرفته، این دوره با درخشش بزرگانی چون شیخ شلتوت، آیت الله بروجردی، کاشف الغطاء و سپس سیدجمال الدین اسدآبادی و پس از آن با شروع انقلاب اسلامی، مرجعیت آیت الله خمینی و ورود ایشان به عرصه مبارزات سیاسی و زعامت مسلمین شروع شده و تا به امروز نیز توسط دیگر بزرگان ادامه یافته است. مرجع بزرگ و کم‌نظیر شیعه آیت‌الله بروجردی در شرایط اختناق طاغوتی و حاکمیت اندیشه‌های غربی در تاسیس دارالتقرب در مصر مشارکت می‌نمود و با نامه-نگاری و مکاتبه، هماهنگی‌هایی با دانشگاه الازهر ایجاد می‌کرد و حتی در بستر بیماری و در آخرین لحظات زندگی تنها به مصالح مسلمانان می‌اندیشید و اظهار می‌داشت: «تقریب کار بسیار بزرگی است، من در این‌باره آرزوها داشتم و درصدم بودم که نامه‌ای به شیخ شلتوت بنویسم». (بی آزار شیرازی، ۱۳۷۷: ۳۷) سرآمد همه منادیان وحدت آیت الله خمینی بودند که نه پیش و نه پس از ایشان کسی به بلندی اندیشه و همتش مشاهده نشد و به امت اسلامی حیاتی نو بخشیدند و در اغلب سخنان و پیام‌های خود مسلمانان جهان را به وحدت فرا می-

خواندند و از هرگونه تفرقه و اختلاف برحذر می‌داشتند و با درک اهمیت موضوع تقریب، فتاوایی صادر نمودند که خود نمونه بارز اهتمام به این مهم از سوی دانشمندان امامیه در عصر کنونی است که می‌تواند زمینه ساز ایجاد تمدن نوین و بزرگ اسلامی محسوب شود. چند نمونه از این اقدامات مهم فقه‌های امامیه در عرصه تقریب را مورد اشاره قرار می‌دهیم:

۵- اقدامات تقریبی شیخ طوسی

۱-۵ تالیف کتاب فقه مقارن

شیخ طوسی ملقب به شیخ الطایفه و شیخ الاسلام، فقیه، اصولی، مجتهد، متکلم، محدث و مفسر و ادیب بود. وی در حالی که عالم به فقه امامیه و از بزرگترین روات شیعه بود، بر فقه مذاهب اهل سنت نیز اشراف داشت و دارای فقه مقارن تحت عنوان کتاب الخلاف بود و به روش امامی و سنی عالم به فقه و اصول بود. الخلاف کتابی است در موضوع فقه مقارن که آراء مذاهب مختلف در آن بیان شده و بین آن‌ها تطبیق، موازنه و مقایسه صورت گرفته و قول مختار بر دیگر آراء ترجیح داده شده است.

۲-۵ استفاده از روایات اهل تسنن

در کتاب الخلاف شیخ طوسی به وفور احادیثی از اهل سنت مشاهده می‌شود که به مواردی از آن اشاره می‌شود: در کتاب دیات آمده است: "فی الشفتین الدیة کامله بلا خلاف، و فی السفلی عندنا ستمائۀ دینار، و فی العلیا أربعمائۀ دینار. و به قال زید بن ثابت، إلا أنه قال: فی العلیا ثلث الدیة، و فی السفلی ثلثا الدیة. و قال أبو حنیفۀ، و الشافعی، و مالک: هما سواء و روى ذلك عن علی علیه السلام، و ابی بکر، و ابن مسعود." (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص: 238) و در کتاب فرائض آمده است: "فی میراث الإخوة للأب مع الأخت للأب و الام ابن مسعود لا یورث الإخوة للأب مع الأخت للأب و الام و الجد شیئا، و به نقول. و روی مثل ذلك عن عمر بن الخطاب. و خالف جمیع الفقهاء فی ذلك." (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص: ۱۲۹)

۳-۵ مبارزه با جمود فکری

شیخ طوسی در کتاب خود (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص: ۲)، از گروه جامد فکران گله آغاز می‌کند و می‌گوید: «من همیشه می‌شنیدم که فقه‌های اهل جماعت، فقه ما شیعیان امامیه را تحقیر می‌کردند... همواره در اشتیاق به سر می‌بردم که کتابی تألیف کنم متضمن فروع، ولی اشتغالات و گرفتاری‌ها مانع بود و از جمله چیزهایی که عزم مرا می‌کاست این بود که اصحاب ما کمتر، رغبت به این کار نشان می‌دادند زیرا با متون اخبار و صریح الفاظ روایات خو گرفته بودند و حتی حاضر نبودند لفظی تغییر کنند، کار جمود به آن جا کشیده شده بود که اگر لفظی به جای لفظ دیگر قرار می‌گرفت، در شگفت می‌شدند و فهمشان از درک آن معنی کوتاهی می‌کرد.» (مطهری، بی تا، ج ۲۰، ص: ۱۴۲)

۴-۵ دوری از تعصب قوی و نژادی

از زندگی امثال شیخ طوسی می‌توان کاملاً پی برد که معنویت اسلام تا چه اندازه در اعماق روح مردم این مرز و بوم نفوذ کرده است تا آنجا که افرادی مانند طوسی سراسر زندگی خود را وقف خدمت به این دین کرده و دمی نیاسوده و تا آخرین نفس باز نایستاده‌اند. شیخ طوسی صد درصد یک عالم اسلامی است، جز رنگ اسلامی رنگ دیگری ندارد. او از کسانی است که از برکت تعلیمات اسلامی پا بر روی تعصبات قومی و نژادی گذاشتند، شعوبی‌گریها را محکوم کردند و مقیاسهای جهانی و انسانی اسلام را محترم شمردند. اکثریت قریب به اتفاق دانشمندان بعد از اسلام چنین‌اند. (مطهری، بی تا، ج ۲۰، ص: ۱۲۷)

۶- اقدامات و فتاوای تقریبی آیت الله بروجردی

۱-۶ تسلط بر آراء و کتب فقهی اهل سنت

آیت الله بروجردی بر آراء و کتب فقهی اهل سنت تسلط عجیبی داشت. این اشراف و آگاهی نه تنها مربوط به فتاوای رهبران مذاهب بود بلکه شامل نظرات صحابه و سایر فقها و اندیشمندان اهل سنت نیز می‌شد. جمله معروف ایشان که بیان می‌فرمایند: "فقه شیعه در حاشیه فقه اهل سنت است" بیانگر این مسئله است که با آگاهی از محتوای روایات و فتاوای رایج اهل سنت در زمان امامان معصوم، بهتر، راحت تر و دقیق تر می‌شود محتوای روایات و منظور فرمایشات ائمه معصومین را دریافت. به عبارتی فقه شیعه ناظر بر فقه اهل سنت است زیرا در طول تاریخ اغلب حکومت در دست بنی عباس بود و بیشتر فتاوای اهل سنت در بین مردم رواج داشت و محدثان و اصحاب امامان با توجه به فضای حاکم بر جامعه آن روز از ائمه سوال می‌کردند و امامان هم با توجه به همین معنا پاسخ می‌دادند. (امینی، ۱۳۸۶: ۲۵)

۲-۶ توجه و علاقه فراوانی به مسئله وحدت اسلامی

آیت الله بروجردی توجه و علاقه فراوانی به مسئله وحدت اسلامی و حسن تفاهم و تقریب بین مذاهب اسلامی داشت. این مرد چون به تاریخ اسلام و مذاهب اسلامی آشنا بود، می دانست که سیاست حکام گذشته در تفرقه و دامن زدن آتش اختلاف چه اندازه تأثیر داشته است. هم چنین توجه داشت که در عصر حاضر نیز سیاستهای استعماری از این تفرقه حد اکثر استفاده را می کنند و بلکه آن را دامن می زنند، و هم توجه داشت که بُعد و دوری شیعه از سایر فرق سبب شده که آنها شیعه را شناسند و درباره آنها تصویری دور از حقیقت بنمایند. به این جهات بسیار علاقه مند بود که حسن تفاهمی بین شیعه و سنی برقرار شود که از طرفی وحدت اسلامی که منظور بزرگ این دین مقدس است تأمین گردد و از طرف دیگر شیعه و فقه شیعه و معارف شیعه آن طور که هست به جامعه تسنن که اکثریت مسلمانان را تشکیل می دهند معرفی شود.

نباید گفت که آیت الله بروجردی نسبت به این مسئله علاقه مند بود، بلکه باید گفت عاشق و دلباخته این موضوع بود و عجیب این است که در حادثه قلبی که منجر به فوت ایشان شد، بعد از حمله قلبی اول که عارض شد و مدتی بیهوش بوده اند و بعد به هوش آمدند، قبل از آنکه توجهی به حال خود نکنند و در این موضوع حرفی بزنند موضوع تقریب و وحدت اسلامی را طرح می کنند و می گویند من آرزوها در این زمینه داشتم. (مطهری، بی تا، ج ۲۰، ص: ۱۵۴)

۳-۶ حمایت از دارالتقریب

پس از تأسیس دارالتقریب، اگر چه آیت الله بروجردی جزء موسسان دارالتقریب نبود اما از ابتدای فعالیت این مرکز به حمایت جدی از آن برخاست و حتی از کمک مالی به آن دریغ نورزید. در نهایت با تلاش های آیت الله بروجردی، شیخ شلتوت فتاوی تاریخی خود را صادر کرد و مذهب شیعه به رسمیت شناخته شد و کرسی تدریس مستقلی در دانشگاه الازهر برای آن تشکیل شد. (امینی، ۱۳۸۶: ۲۹)

۷ اقدامات و فتاوی تقریبی آیت الله خمینی

۱-۷ جواز شرکت در جماعات اهل سنت

در استفتایی که از ایشان صورت گرفت مبنی بر خواندن نماز جماعت پشت سر اهل سنت فرمودند: «نماز جماعت برای حفظ وحدت اسلامی، جایز و صحیح است». (موسوی خمینی، ۱۴۲۴: ۸۱۱/۱) همچنین در سخنرانی ۲۹ شهریور ماه سال ۵۸ بیان داشتند که «لازم است برادران ایرانی و شیعیان سایر کشورها از اعمال جاهلانه که موجب تفرق صفوف مسلمین است احتراز کنند و لازم است در جماعات اهل سنت حاضر شوند و از انعقاد و تشکیل نماز جماعات در منازل و گذاشتن بلندگوهای مخالف رویه اجتناب نمایند و از افتادن روی قبور مطهره و کارهایی که گاهی مخالف شرع است جدا خودداری کنند». (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۶۲/۱۰)

۲-۷ تبعیت از تکتف در مواقع ضرورت

در مورد تبعیت از اهل سنت در تکتف نیز از ایشان پرسش شد که آیا بر ما واجب است یا آن که باید نماز را بدون تکتف بخوانیم که آیت الله خمینی در پاسخ فرمودند: «اقتدا به اهل سنت، برای رعایت وحدت جایز است و نماز خواندن با آن ها صحیح و مجزی است، ولی تکتف واجب نیست و بلکه جایز نیست، مگر در صورتی که ضرورتی آن را اقتضا کند». (موسوی خمینی، ۱۴۲۴: ۸۱۲/۱)

۳-۷ مسئله طواف و تبعیت از قضات اهل سنت در وقوفین

طواف را به نحو متعارف که همه حجاج به جا می آورند، به جا آورند و از کارهایی که اشخاص جاهل می کنند احتراز شود و مطلقاً از کارهایی که موجب وهن مذهب است باید احتراز شود. در وقوفین، متابعت از حکم قضات اهل سنت لازم و مجزی است، اگرچه قطع به خلاف داشته باشید. (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۶۲/۱۰)

۴-۷ اذان و اقامه

آیت الله خمینی در این باره فرمودند که: «بیان جمله «اشهد ان علیاً ولی الله» جزء اذان و اقامه نیست و جایی که خلاف تقیه است گفتن آن حرام است و نباید بگویید». (هاشمی، ۱۳۸۲: ۷۳)

۷-۵ تبعیت از علمای اهل تسنن در ثبوت اول ماه

اگر اول ماه ذیحجه نزد قاضی اهل تسنن ثابت شود و به آن حکم نماید و نزد ما ثابت نشود پس اگر بدون تقیه و خوفی عمل بر طبق مذهب حق ممکن باشد باید عمل کرد، وگرنه واجب است از آن‌ها تبعیت شود. و اگر مخالفت با واقع، آشکار نشود حج صحیح است؛ بلکه اگر علم به مخالفت با واقع هم باشد بعید نیست که صحیح باشد. (موسوی خمینی، بی تا: ۴۴۱/۱)

۷-۶ احتراز شیعه و سنی از ایجاد اختلاف

یک دسته از مسلمانان شیعه هستند و یک دسته‌ای از مسلمانان سنی، یک دسته حنفی و دسته‌ای حنبلی و دسته‌ای اخباری هستند. اصلاً طرح این معنا، از اول درست نبود. در یک جامعه‌ای که همه می‌خواهند به اسلام خدمت کنند و برای اسلام باشند این مسائل نباید طرح شود. ما همه برادر هستیم و با هم هستیم، منتها علمای شما یک دسته فتوا به یک چیز دادند و شما تقلید از علمای خود کردید و شدید حنفی، یک دسته فتوای شافعی را عمل کردند و یک دسته دیگر فتوای حضرت صادق را عمل کردند، این‌ها شدند شیعه. این‌ها دلیل اختلاف نیست، ما نباید با هم اختلاف و یا یک تضادی داشته باشیم. ما همه با هم برادر هستیم و برادران شیعه و سنی باید از هر اختلافی احتراز کنند. (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۵۴/۱۳)

۷-۷ ترک وحدت، جرمی بسیار بزرگ

آیت الله خمینی در این باره فرمودند: «امروز این مسئله‌ی تضعیف وحدت جرم بسیار بزرگی است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۳۴۷/۱۲:)

۷-۸ نامگذاری هفته وحدت

اهل سنت و شیعیان بر سر تاریخ ولادت پیامبر اسلام (ص) اختلاف دارند که برای همسویی و انسجام مسلمانان فاصله این دو تاریخ به عنوان هفته وحدت اعلام گردید و باعث ایجاد زمینه‌ای گردید تا علمای فرق اسلامی با تعامل بیشتر با یکدیگر به بحث و گفتگو بپردازند و همه مسلمین در این جشن شرکت کنند تا وسیله وحدت بین مسلمین باشد.

۷-۹ وصیت نامه الهی - سیاسی

آیت الله خمینی حتی در وصیت نامه الهی - سیاسی خود به نخستین موضوعی که اشاره می‌فرمایند حدیث ثقلین می‌باشد؛ (اسماعیلی، ۱۳۷۸: ۱۱) حدیثی که هم شیعیان و هم اهل سنت بر صحت انتساب آن به پیامبر اسلام اتفاق نظر دارند و در کتب خود ذکر کرده‌اند و متواتر بین جمیع مسلمین است و با استناد به آن بر لزوم وحدت مسلمین تأکید می‌کنند و این خود نشان از این دارد که آیت الله خمینی در همه حال خواهان یگانگی و وحدت میان مسلمین بوده‌اند و به این امر توجه ویژه‌ای داشتند. آیت الله خامنه‌ای نیز که همواره طلایه‌دار تقریب و همبستگی بوده‌اند به تأسیس مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی پرداخته و در سطح وسیع‌تری مسلمانان را به تقریب و همبستگی دعوت می‌کنند.

۸ اقدامات تقریبی آیت الله خامنه‌ای

۸-۱ فتوای حرمت بی‌احترامی به نمادهای اهل تسنن

ایشان در پاسخ به استفتایی که در آن خواسته شده بود ایشان نظر خود را درباره اهانت و استفاده از کلمات تحقیرآمیز و توهین به همسر پیامبر اسلام ام‌المومنین عایشه اعلام کنند اینگونه فرمودند که: «اهانت به نمادهای برادران اهل سنت از جمله اتهام زنی به همسر پیامبر حرام است. این موضوع شامل زنان همه پیامبران و به ویژه سیدالانبیا پیامبر اعظم حضرت محمد (ص) می‌شود». البته آیت الله خامنه‌ای همواره بر این موضوع تأکید داشته‌اند و فرموده‌اند: «خط قرمز از نظر نظام اسلامی و از نظر ما عبارت است از اهانت به مقدسات یکدیگر. آن کسانی که نادانسته از روی غفلت گاهی از روی تعصب‌های کور و بیجا، چه سنی و چه شیعه، به مقدسات یکدیگر توهین می‌کنند، نمی‌فهمند چه می‌کنند. بهترین وسیله برای دشمن همین‌ها هستند؛ بهترین ابزار در دست دشمن همین‌ها هستند؛ این خط قرمز است». (بیانات آیت الله خامنه‌ای در اجتماع مردم سقز، ۲۹ اردیبهشت ۸۸)

۸-۲ اعلام سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی

ایشان سال ۱۳۸۶ شمسی را به نام سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی نامیدند که زمینه‌ای را برای اهتمام بیشتر به امر وحدت فراهم آورد و فرمودند: «دشمنان به بهانه‌هایی همچون قومیت، مذهب و گرایش‌های صنفی، درصدد هستند وحدت کلمه ملت ایران را از بین ببرند و در جهان اسلام نیز اختلافات مذهبی را دامن بزنند و با به راه انداختن جنگ شیعه و سنی میان ملت ایران و جوامع اسلامی فاصله ایجاد کنند. (آیت الله خامنه‌ای، پیام نوروزی سال ۸۶) ایشان راهکارهایی را نیز در این زمینه ارائه فرمودند که عبارتند از:

- ۱- تکیه بر اصول مشترک ملت‌های اسلام؛
- ۲- اعتماد به نفس مسلمین؛
- ۳- استقلال همه جانبه نخبگان؛
- ۴- حفظ آرمان‌های اصولی؛
- ۵- شناخت واقعی دشمن؛
- ۶- برقراری روابط صمیمانه بین امت اسلامی؛
- ۷- امید به آینده؛
- ۸- حرکت‌های علمی؛
- ۹- تلاش و مبارزه؛

۸-۳ تدوین منشور وحدت اسلامی

ایشان، همزمان با هفدهم ماه ربیع الاول، در سالروز میلاد پیامبر اکرم (ص) در دیدار با مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، با اشاره به احیای هویت اسلامی و بیداری مسلمین، از طرفی، و ترفندهای پیچیده استکبار، از طرف دیگر، و آمادگی خوبی که در دنیای اسلام وجود دارد، مسئله‌ی منشور وحدت و لزوم تدوین آن را مطرح نمودند. ایشان بیان داشتند: «علاج اصلی، و داروی اصلی برای امروز دنیای اسلام، داروی اتحاد است؛ باید با هم متحد بشوند. علما و روشنفکران اسلام بنشینند و منشور وحدت اسلامی را تنظیم و آن را به عنوان مطالبه‌ای تاریخی، تدوین کنند. (بیانات آیت الله خامنه‌ای در دیدار کارگزاران نظام، ۸۶/۱/۱۷) و در ادامه زمینه‌های تدوین منشور را نیز بیان فرمودند.

۹ نتیجه گیری

- ۱-۹ هدف از تقریب مذاهب و اندماج مذاهب نیست بلکه هدف اتخاذ مواضع مشترک، همدلی و همکاری فرق اسلامی در مقابله با دشمن و نیز نزدیکی فرق اسلامی با هم، ایجاد تفاهم و تبادل آرای مذهبی در راستای دستیابی به امت واحده اسلامی می باشد.
- ۲-۹ اختلاف نظر در مسائل فقهی از همان زمان اصحاب و از زمان رحلت رسول خدا (ص) آغاز و تاکنون ادامه دارد حتی میان اصحاب رسول گرامی اسلام (ص) نیز اختلاف نظر در مسائل فقهی وجود داشته است. عواملی که موجب اختلاف نظر میان فقهای پس از صحابه شده است عبارتند از: اختلاف در منابع استنباط، اختلاف نظر در حجّیت اسناد روایات، اختلاف در جهت صدور حدیث، اختلاف در نسخ حکم به سبب اختلاف در ضوابط نسخ احکام، اختلاف در قرائت بعضی از آیات، اختلاف در برداشت از آیات و روایات و فهم و تفسیر آنها، تعارض ادله، اختلاف در چگونگی مرجّحات و غیره که اختلاف نظر در این موارد کاملاً طبیعی است و نه تنها برای وحدت و انسجام امت اسلامی مشکل ساز نیست، بلکه موجب پویایی فقه اسلامی می گردد.
- ۳-۹ با همه اختلاف نظرهای موجود میان فقهای اسلامی، منابع اصلی فقه که همان قرآن و سنت است میان همه امت اسلامی مشترک است و تنها اختلاف موجود در این زمینه آن است که شیعه و سنی احادیث و روایات را از دو طریق متفاوت اخذ می کنند.
- ۴-۹ یکی از راهکارها برای ایجاد تقریب بین مذاهب تمرکز بر مشترکات میان مسلمین است. نمونه هایی از این مشترکات فقهی در میان مذاهب اسلامی عبارتند از: کلیّات تمام ابواب فقهی، بسیاری از عناصر و احکام و شرایط اصلی هر کدام، تمام احکامی که صریح آیات قرآن یا احادیث متواتر نبی گرامی اسلام (ص) به بیان آنها پرداخته است و سایر ضروریات فقه اسلامی.
- ۵-۹ از مهم ترین اقدامات تقریبی شیخ طوسی عبارتند از: تالیف کتاب فقه مقارن، استفاده از احادیث اهل سنت، مبارزه با جمود فکری و دوری از تعصب قوی و نژادی.
- ۶-۹ فقهای زیادی در رابطه با ایجاد تقریب بین مذاهب تلاش کرده اند که از جمله آنها شیخ طوسی و آیت الله بروجردی هستند که اقدامات ارزنده ای در این راستا به انجام رساندند و همچنین فتوای تقریبی آیت الله خمینی که عبارتند از: جواز شرکت در جماعات اهل سنت، تبعیت از تکتف در مواقع ضرورت، مسئله طواف و تبعیت از قضات اهل سنت در وقوفین، اذان و اقامه، تبعیت از علمای اهل تسنن در ثبوت اول ماه، احتراز شیعه و سنی از ایجاد اختلاف و غیره که هر یک از این فتاوا وقتی از جانب مرجعی بزرگ مانند آیت الله خمینی صادر شود موجب ایجاد وحدت خواهد بود.
- ۷-۹ از مهم ترین اقدامات تقریبی که آیت الله خامنه ای به انجام رسانیدند عبارتند از: صدور فتوای مهم در رابطه با حرمت اهانت به نمادهای اهل سنت که بازتابی جهانی نیز پیدا کرد؛ ایشان فرمودند: «اهانت به نمادهای برادران اهل سنت از جمله اتهام زنی به همسر پیامبر حرام است. این موضوع شامل زنان همه پیامبران و به ویژه سیدالانبیا پیامبر اعظم حضرت محمد(ص) می شود»، تدوین منشور وحدت اسلامی و و اعلام سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی از دیگر اقدامات بود که آیت الله خامنه ای راهکارهایی را نیز در این زمینه ارائه فرمودند که عبارتند از: تکیه بر اصول مشترک ملت های اسلام، برقراری روابط صمیمانه بین امت اسلامی، امید به آینده، حرکت های علمی و تلاش و مبارزه و ...

منابع و مراجع

- [۱] قرآن کریم
- [۲] ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم، ۱۴۱۴. لسان العرب، ج ۱ و ۱۳، بیروت: انتشارات دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- [۳] واسطی زبیدی حنفی، محب الدین محمد مرتضی، ۱۴۱۴، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۹، بیروت - لبنان: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- [۴] عاملی، جمال الدین حسن بن زین الدین، ۱۴۱۸، معالم الدین و ملاذ المجتهدین (قسم الفقه)، ج ۱، قم: مؤسسه الفقه للطباعة و النشر.
- [۵] موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۷۹، صحیفه مجموعه آثار آیت الله خمینی، جلد های ۲، ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۲، ۲۱، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار آیت الله خمینی.
- [۶] سید رضی، محمد، ۱۴۱۴، نهج البلاغه، قم: مؤسسه نهج البلاغه.
- [۷] بی آزار شیرازی، عبدالکریم، ۱۳۷۷، همبستگی مذاهب اسلامی، عبدالکریم بی آزار شیرازی، تهران: مذاهب اسلامی.
- [۸] مشکاتی سبزواری، عباسعلی، ۱۳۹۲، جایگاه امت اسلامی در فرایند تکاملی انقلاب اسلامی، مجله مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، فروغ وحدت، سال نهم، دوره جدید شماره ۳۳.
- [۹] محقق داماد، مصطفی، ۱۳۶۲، مباحثی از اصول فقه، ج ۲، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- [۱۰] مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۷، دائرة المعارف فقه مقارن، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- [۱۱] گروهی از نویسندگان به اهتمام عباس برومند اعلم، ۱۳۹۵، فرهنگ تقریب، ج ۲، تهران: دانشگاه مذاهب اسلامی.
- [۱۲] حسینی روحانی قمی، محمد، ۱۴۱۸، المرتقی إلى الفقه الأرقی - کتاب الزکاة، ج ۱، تهران: مؤسسه الجلیل للتحقیقات الثقافیة (دار الجلی).
- [۱۳] موثقی، احمد، ۱۳۷۰، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، ج ۲، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- [۱۴] حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، وسائل الشیعه، ج ۲۷، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- [۱۵] منتظری نجف آبادی، حسین علی، ۱۴۰۹، دراسات فی ولاية الفقیه و فقه الدولة الإسلامیه، ج ۱، قم: نشر تفکر.
- [۱۶] گرجی، ابو القاسم، ۱۴۲۱، تاریخ فقه و فقها، تهران: مؤسسه سمت.
- [۱۷] جمعی از مؤلفان، بی تا، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، ج ۳۰، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
- [۱۸] طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، ۱۴۰۷ ه ق، الخلاف، ج ۴۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۱۹] -----، ۱۴۰۷، تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- [۲۰] -----، ۱۳۸۷ ه ق، المبسوط فی فقه الإمامیه، ج ۱، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفریه.
- [۲۱] مطهری، مرتضی، فقه و حقوق (مجموعه آثار)، ج ۲۰، بی تا، قم: فقه اهل بیت علیهم السلام.
- [۲۲] امینی، منان، ۱۳۸۶، وحدت از دیدگاه علمای اسلام، کرمانشاه: انتشارات کرمانشاه.
- [۲۳] موسوی خمینی، روح الله، ۱۴۲۴، توضیح المسائل (محشّی - خمینی)، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۲۴] هاشمی، محمد جواد، ۱۳۸۲، آیت الله خمینی و همگرایی جهان اسلام، زاهدان: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان.
- [۲۵] موسوی خمینی، روح الله، بی تا، تحریر الوسیله، ج ۱، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
- [۲۶] اسماعیلی، علیرضا، ۱۳۷۸، وصیت نامه سیاسی-الهی آیت الله خمینی، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- [۲۷] بیانات آیت الله خامنه ای در تاریخ ۶۹/۸/۲۹ در سایت Farsi.khamenei.ir/newspart-index
- [۲۸] -----در سایت ۸۶/۱/۱ Farsi.khamenei.ir/message-content?id=246
- [۲۹] -----در سایت ۸۸/۲/۲۹ Farsi.khamenei.ir/news-content? Id=6947
- [۳۰] -----در سایت ۸۶/۱/۱۷ Farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21957